

زود شکسته و پیر می‌کند همین جا بین خودمان اکثراً از دردپا و کمر و روماتیسم می‌نالند - حالا همه‌مان می‌دانیم که ما برای شیلات تا موقعی ارزش داریم که برایش کار کنیم بعد هم که تمام نیروی خود را از دست دادیم باز نشستان می‌کنند و چندرغاز می‌دهند و به‌امان خدا و لمان می‌کنند. دیگر بس است، بیدار شوید و برای گرفتن حق مسلم خود تلاش کنید و اینرا هم باید بدانیم که ما باید جمع شویم و پشت هم بایستیم و متحداً در راه گرفتن حقوق انسانی خود تلاش کنیم ما می‌توانیم يك سندیکا تشکیل بدهیم و برای خودمان نماینده از درون خودمان انتخاب کنیم. نماینده‌ای که درد ما را لمس کرده است، تا متحد نشویم کاری نمی‌توانیم بکنیم.

تکثیر از کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن

۵۸/۱/۲۸

فصل دوم:

نظر گروه‌ها و افراد مختلف در مورد علل بحران در

ترکمن صحرا

طباطبائی استاندار مازندران (کیهان، هشت فروردین):

ما عقیده داریم که عوامل ساواک و برخی متنفذان و احتمالاً زمینداران بزرگ به این ماجراها دامن می‌زنند از جمله اطلاعات رسیده حاکی است که هژبر یزدانی و ابوالفتح آتابای از وابستگان نزدیک به دربار شاه سابق در منطقه دیده شده و عوامل آنها مترصد دخالت در مسائل جاری مردم بوده‌اند.

آیت‌الله طالقانی (کیهان، اول اردیبهشت):

«بودن فرزندانم در روز روشن... برای من نگرانی آور شد و احساس کردم همان کبریت‌هایی که در سندیج منشاء اشتعال شد و در گنبد، از اینجا این برنامه‌ها شروع شده...»

در بین پاسدارها و کمیته‌ها اشخاص غیرمسئول خصوصاً در این چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دارند رخنه کرده کارهایی انجام دادند... ما دیدیم در قضیه گنبد یک عده‌ای با اخلاص و عده‌ای هم افراد مشکوک (به آنجا رفتند) عده‌ای، جوان‌هایی کشته شدند در آنجا و بعد که برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته‌هایی بوده که فرعی و غیرمسئول بودند...»

از تلگرام مردم بندر ترکمن به امام (اطلاعات، ۱۲ فروردین):

با کمال تأسف و تأثر کشتار بی‌رحمانه‌ای در منطقه گنبد کاووس به تحریک و خرابکاری عوامل ضدانقلابی که در کمیته انقلاب اسلامی به نام پاسدار آمده‌اند و در اثر خطای نابخردانه آنها در قبال خواسته‌های برحق خلق ترکمن آغاز شد که منجر به قتل و جرح عده‌ای از افراد بی‌گناه ترکمن گردیده و هنوز هم با قساوت و شقاوت تفرآمیز ادامه دارد. قاطبه مردم بندر ترکمن ضمن ابراز تفر از وقوع چنین اعمال نابخردانه و مزورانه که از ناحیه عده‌ای بنام اعضاء کمیته اسلامی گنبد کاووس بر علیه خلق ترکمن صورت گرفته تقاضا می‌نمائیم هرچه زودتر ضمن مجازات مسببین اقدام لازم درباره رفع این برادرکشی مبذول داشته، نسبت به تأمین خواسته‌های برحق خلق ترکمن اقدام مقتضی معمول دارند.

از تلگراف گروهی از روحانیان و معتمدان ترکمن به نخست‌وزیر و آیت‌الله طالقانی (آیندگان، ۱۴ فروردین):

احتراماً اطلاع دارند دولت در اثر سمیاشی ماهرانه حجت‌الاسلام «امید» و تبلیغات و تحریکات عمال ساواک و دسیسه غاصبین رژیم طاغوتی که خود را در قالب انقلابیون جلوه می‌دهند سبب شده پاسداران و سربازان ارتش را به جان مردم مسلمان زجر کشیده ترکمن در گنبد کاووس بیندازند که بی‌رحمانه به کشت و کشتار مشغول می‌باشند... آیا نتیجه و جواب خواسته‌های مشروع مردم مسلمان ستم‌دیده ترکمن از ثمره انقلاب اسلامی همین برادرکشی با گلوله است؟ آقای نخست‌وزیر! رژیم استبدادی و جبار زمین‌های ما را با زور و شکنجه گرفته بود، نه این طور با فرستادن فاتوم و کشت و کشتار جابرانه. آیا مفهوم آزادی در زیر پرچم انقلاب اسلامی این گونه خونریزی خواهد بود؟ لذا استرحاماً استدعا داریم انصاف کرده عاجلاً پاسداران و سربازان خود را فراخوانده جلوی این برادرکشی را بگیرند.

مولوی عبدالعزیز - یکی از روحانیان بلوچستان (کیهان، ۱۵ فروردین):

تحقیقات ما (هیئت همراه ایشان) نشان می‌دهد که شروع این درگیری‌ها به سبب تحریکات ساواکی‌ها و بعضی افراد بی‌تجربه کمیته شهرستان گنبد آغاز شده است و موضوع نیز به مردم این گونه تفهیم شده است که این مخاصمه دعوی شیعه‌وسنی است... برادران ترکمن باید کاملاً بیدار و هشیار باشند که گول اجانب و ایادی استعمارگر و ماجراجو و آن گروه از فئودال‌های سابق را که منافعشان به‌خطر افتاده است نخورند.

حبیب‌الله خشنودی ساوکلانی، فرماندار جدید گنبد (پس از برکناری فرماندار قبلی) (پیغام امروز، ۱۸ فروردین):

جنگ در ترکمن صحراً تحمیلی و قابل اجتناب بود. تضاد موجود در کمیته‌ها کارها را دشوارتر می‌نمود.

از گزارش مشترك هيئت اعزامی كميسيون حقوق بشر، جمعيت حقوقدانان ايران و كانون وكلاي دادگستري (آيندگان، ۱۹ فروردين):

هيئت اعزامی علل و انگيزه‌هاي ذيل را عامل اصلي يروز حوادث گنبد تشخيص و به شرح ذيل اعلام می نماید:

۱. تحريك و دامن زدن به اختلافات تركمن‌ها و ترتيب تظاهرات به طرقداری از قانون اساسی به وسيله روحاني نمايان مرتجع اهل سنت از جمله «آناقليج» آخوند نقشبندي و وابستگان وی.
۲. تشكيل يك اجانبه اعضاء كمیته بدون حضور تركمن‌ها و مركب از برخی افراد ناصالح.
۳. نفوذ عوامل مزدور رژیم سابق و زمینداران بزرگ و فرصت طلبان در كمیته امام.
۴. انتصاب آقای مادرشاهی به سمت فرماندار گنبد که برای احراز این سمت از صلاحیت لازم برخوردار نبوده است.
۵. بی تجربگی و ناآگاهی پاسداران انقلاب و دامن زدن به خونریزی با حمله به منازل تركمن‌ها، كشتار و گروگان گرفتن آنها.
۶. وجود عوامل ساواک و بقايا و وابستگان رژیم متحط سابق در بين پاسداران انقلاب و نقض مكرر آتش بس از طرف آنها و تحريك طرفین درگیر به ادامه تیراندازی.
۷. قضاوت و بررسی غرض آلود به وسيله هيئت اعزامی نخستین.

جبهه دمكراتيك ملی ايران - (پیغام امروز ۲۱ فروردین):

این روزها ما شاهد حوادث گوناگون و تأسف باری هستیم. مردم تركمن به تحريك عوامل رژیم پیشین و به دست برادران مسلمان خود یعنی پاسداران به قتل می رسند و خانواده‌ها بی خانمان می شوند. رادیو و تلویزیون به نحوی آگاهانه و علنی، بی هیچ خجالت و پرده پوشی، به برادرکشی‌ها دامن می زند و سازمان‌های انقلابی را مسئول معرفی می کند، در حالی که نمایندگان كميسيون حقوق بشر و كانون وكلا و جمعيت حقوق دانان پس از مشاهده صحنه‌ها از نزدیک این قضاوت را كاملاً مردود دانسته اند...

ما با صدای بلند اعلام خطر می کنیم که ادامه فعالیت‌های خودسرانه

برخی از كمیته‌ها، ایراد اتهام‌های ناروا به سازمان‌های انقلابی، تشكيل اجتماعاتی که به روح دمكراسی اعتقاد ندارند، ادامه وضع رادیو تلویزیون در ایجاد آشوب و هرج و مرج، بی خبر نگاهداشتن مردم از وقایع کشور و بالاخره از همه مهم تر، بی توجهی به حقوق و خواست‌های حق کارگران و واگذار کردن حل مشکل آنها به كمیته‌ها این جامعه را دچار چنان آشوبی خواهد کرد که علیرغم پیروزی بزرگ در فرآیند، رژیمی به مراتب مستبدتر از رژیم سابق را بر کشور حکمفرما خواهد ساخت. با ادامه چنین وضعی این کشور روی آزادی و دمكراسی را نخواهد دید و اداره آن به دست کسانی خواهد افتاد که اسلحه به دست گرفته و در تعقیب مخالفین فکری خویشند...

مصاحبه با آقای ولی محمد آخوند ارزنانش (یکی از روحانیون تركمن)

س - ممکن است خود را معرفی کنید؟

ج - من ولی محمد ارزنانش هستم چهل و يك ساله، تركمن و حنفی مذهب هستم. فارغ التحصیل دانشكده ادبیات می باشم و در دبیرستان‌های گنبد تدریس می کنم. یکی از پنج نماینده تركمن‌ها برای مذاکره با دولت هم هستیم.

س - اوضاع تركمن صحرا و علت جنگ گنبد را چه می دانید؟

ج - تركمن صحرا منطقه وسیعی است که از دریای خزر تا جرگلان را در برمی گیرد. تركمن‌ها جمعیتی در حدود يك میلیون نفر می باشند. مهمترین مسئله تركمن، «مسئله ارضی» است. در سال‌های پیش به شکل كاملاً ظالمانه و ناجوانمردانه‌ای خلق تركمن تحت وحشتناك ترین ستم‌های طبقاتی، ملی و فرهنگی و مذهبی بود. زمین‌های دهقانان به وسیله عمال رژیم سابق غصب می شد. در مدارس زبان تركمنی تدریس نمی شد. داشتن يك كتاب که به زبان تركمنی نوشته شده بود جرم بزرگی به حساب می آمد.

فقه تسنن در مدارس تدریس نمی‌شد و... به‌علت ستم پیش از حدی که به خلق ترکمن می‌رفت، روشنائیان ترکمن صیحا مانند اکثر روشناهاج ایزان نسبت به انقلاب ایران بینگانه بودند، اما به شهادت تاریخ، خلق ترکمن، همیشه به شکل‌های مختلف برای احقاق حق خود مبارزه کرده است، و وقایع گنبد جز این علتی ندارد.

آنچه خلق ترکمن می‌خواهد و برایش مبارزه می‌کند هیچگونه مغایرتی با اسلام و قوانین بین‌المللی ندارد. تا همین چند پیش می‌گفتند که کلمه «خلق» کمونیستی است و آن‌ها که از خواست‌های (خلق ترکمن) صحبت می‌کنند، کمونیستند اما وقتی «خلق» به حقوق خود واقف شد و برای آن مبارزه کرد دیگر با این حيله‌ها نمی‌توان جلوی او را گرفت.

س - تقریباً در تمام ایران شایع شده که مسئله ترکمن‌ها به تحریک و توطئه کمونیست‌ها و ساواکی‌ها بوده است. با این حساب شما نقش کمونیست‌ها را رد می‌کنید؟ این طور نیست؟

ج - حساب ساواکی‌ها که روشن است. این استدلال، کاملاً غیراصولی است. و اما کمونیست‌ها چند ماه پیش عده‌ای از جوانان ترکمن مرکزی به نام (کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن) درست کردند. این کانون که با هدف به‌دست آوردن آزادی‌های فرهنگی و سیاسی برای خلق ترکمن به‌وجود آمده نقش مهم و موثری درباره خواست‌های فرهنگی و سیاسی ترکمن‌ها داشته. عده‌ای از روحانیان مرتجع ترکمن که همیشه عامل سرمایه‌داران بوده‌اند اعلامیه‌ای منتشر کردند که در واقع این کانون را تکفیر نمودند. در صدر آن‌ها حاج آناقلیچ نقش‌بندی می‌باشد. زمینداران بزرگ مبارزه خود را با این کانون از طریق این آخوندهای مرتجع انجام می‌دادند و شایع کردند که این خلق ترکمن نسبت به مبارزه می‌کند بلکه عده‌ای کمونیست می‌باشند. سرمایه‌داران توطئه کردند که یک روحانی سنی را علم کنند تا بتواند از طریق فتوای او مقاصدشان را عملی نمایند.

س - این‌ها خفه کردن مردم از طریق مذهب بود که موفق شدند.

ج - اعلامیه‌ای که به امضای ۱۴ تن از روحانیون سنی رسید چه تأثیر بر مردم گذاشت؟

ج - این اعلامیه حقوق مردم ترکمن را نادیده می‌گرفت و کاملاً

ارتجاعی بود و نتیجه‌اش این شد که جناب آیت‌الله نقش‌بندی سرکرده این گروه هم اکنون فراری است.

س - چطور شد که گنبد در آتش جنگ شعله‌ور شد؟

ج - عرض کردم که مهمترین مسئله خلق ترکمن، «مسئله زمین» است. و همه می‌دانند که در رژیم سابق بسیاری از زمین‌های خلق ترکمن به وسیله سرمایه‌داران غصب شد. اسلام حکم می‌کند که غاصب باید مال غصبی را پس بدهد وگرنه محرومین می‌توانند با توسل به زور و یا قانون مال غصب شده‌شان را پس بگیرند. وقتی زمزمه بازپس گرفتن زمین‌ها بلند شد، زمینداران به‌دست و پا افتادند. جنگ به تحریک زمینداران و کمیته اسلامی گنبد شروع شد و علت آن هم مقابله با خواست‌های قانونی خلق ترکمن بود.

س - وقتی که حجت‌الاسلام امید، شریعتی و رادیا به گنبد آمدند حتماً به‌عنوان نماینده دولت این مسائلی را هم که شما طرح کردید بررسی کردند، آن‌ها به چه نتیجه‌ای رسیدند، چرا نتوانستند جلوی جنگ را بگیرند؟

ج - آن‌ها مسئله ترکمن‌ها را نفهمیدند. خواست خلق ترکمن دستیابی به حقوق پایمال شده فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود می‌باشد. آن‌ها مرتب می‌گفتند که ما با هم برادریم. این درست ما برادریم ولی واقعیت‌هایی وجود دارد که نمی‌توانیم نادیده‌شان بگیریم. واقعیت این که خلق ترکمن از چند جانب تحت ستم است. واقعیت این که ترکمن سنی است. درست است که شیعه و سنی برادرند اما مرزی این دو را از هم جدا می‌کند. این مرز برادری را نفی نمی‌کند ولی وجود دارد. باید به آن توجه کرد. با گفتن این که ما با هم برادریم پس مسئله زمین را فراموش کنید، نتیجه‌ای جز برانگیختن خشم خلق ترکمن وجود ندارد. آیا ما با هم برادریم که تحت تابعیت شما باشیم. یا این که برادریم زیرا که برابریم. چرا افراد کمیته اسلامی به‌میتینگ کاملاً قانونی خلق ترکمن حمله مسلحانه می‌کنند. نمایندگان دولت مسئله ما را نفهمیدند. می‌خواستند «مسئله زمین» را مخدوش کنند تا مالکیت‌های بزرگ حفظ شود... خلاصه آن‌ها مرتب تکرار می‌کردند که ما با هم برادریم و با هم اختلاف نداریم. آیا با گفتن این که ما با هم اختلاف نداریم، در واقعیت تغییری داده می‌شود؟

س - گویا در تسنن مرجع تقلید به آن شکل که در شیعه مطرح است وجود ندارد، در این صورت تبعیت از روحانیان تنها و تنها در صورتی است که روحانیان بیانگر خواست‌های مردم باشند این مسئله را چگونه می‌بینید؟

ج - خلق ترکمن سنی و حنفی مذهب است. ما از امام ابوحنیفه پیروی می‌کنیم. آخرین مجتهد حنفی در قرون سوم و چهارم می‌زیست. می‌دانید که مجتهد باید شرایط فراوانی داشته باشد. به علوم عصر وارد باشد. در حال حاضر شخصی با چنین مشخصات در میان حنفی‌ها وجود ندارد. در نتیجه به علت نبودن مجتهد، فتوای هیچ کس واجب‌الاطاعة نیست. برخلاف تشیع با توجه به این ویژگی‌هاست که مردم روحانیوتی چون آیت‌الله نقشبندی را طرد می‌کنند هر کس که در راه خواست‌های خلق ترکمن مبارزه کند دوست ترکمن‌هاست، هیچ آخوندی حق ندارد از جانب خلق ترکمن حرف بزند.

س - نظرتان درباره جمهوری اسلامی چیست؟

ج - ایران کشوری اسلامی است و مسلماً جمهوری ایران هم جمهوری اسلامی خواهد بود. این جای بحث ندارد. اما حرف بر سر این است که تحت نام جمهوری اسلامی چه می‌خواهند بکنند. من معتقدم که دولت اول می‌بایستی مجلس مؤسسان را تشکیل می‌داد و این مجلس قانون اساسی را تدوین و به رأی مردم می‌گذاشت. آنچه تاکنون درباره جمهوری اسلامی گفته شده همگی اظهار نظرهای شخصی است و اصلاً خلق ترکمن نمی‌داند که جمهوری اسلامی چه رفتاری با او خواهد داشت. اما اگر اول قانون اساسی را مجلس مؤسسان برگزیده ملت تدوین کرده بود آن وقت خلق‌های ایران به‌طور مشخص می‌دانستند که حکومت آینده منافع آن‌ها را تأمین خواهد کرد یا نه. آن وقت می‌توانستند رأی مثبت و یا منفی بدهند. درحالی که مسئله را طوری جلوه داده‌اند که مسلمان باید به جمهوری اسلامی رأی بدهد. یعنی رأی مثبت به جمهوری اسلامی یکی از شروط مسلمانی است در حالی که از نظر قرآن شرط مسلمانی شهادتین است.

«اطلاعیه جنبش ملی مجاهدین»

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران
و به نام هموطنان ستم‌زده و شجاع ترکمن

جنبش ملی مجاهدین با تأیید کامل نقطه‌نظرهای اعلام شده حضرت آیت‌الله طالقانی در مورد مسائل برادران ترکمن، ضمن ابراز تأسف شدید از درگیری‌ها و خونریزی‌های اخیر گنبد که منجر به قتل تعدادی از برادران عزیز ترکمن نیز شده است اعلام می‌دارد که به هیچ وجه در جریان این درگیری‌ها نبوده و اصولاً هنوز هیچ دفتر یا نماینده‌ای در منطقه ندارد.

نقطه‌نظرهای مجاهدین خلق ایران درباره مسائل مابه‌الابتلاء برادران ترکمن مبتنی بر دفاع از حقوق حقه تمام ملیت‌های ایرانی و رفع ستم مضاعف از ایشان در چهارچوب وحدت ملی و ضدامپریالیستی کل کشور نیز قبلاً اعلام گردیده است.

به اعتقاد ما ریشه نابسامانی‌های این منطقه نیز درست همانند سایر استان‌های کشور دقیقاً در رابطه با آغاز شوم نظام طاغوتی و ستم ملی و طبقاتی است که در کانون آن يك مسأله مبهم ارضی که به تقسیم غیرعادلانه زمین مربوط می‌شود قرار دارد.

علیهذا ضمن ابراز تأسف مجدد از خونریزی‌های اخیر خواستار ترك مخاصمه فوری همه جناح‌های درگیر هستیم، امیداست به این ترتیب زمینه برای حل مسالمت‌آمیز مسائل فراهم شده و دولت آقای مهندس بازرگان بتواند در جهت اجزائی نقطه‌نظرهای حضرت آیت‌الله طالقانی همه اقدامات لازم را با قاطعیت معمول دارد.

همچنین امیدواریم که هوشیاری بیش از پیش خواهزان و برادران عزیز ترکمن هیچ فرصتی برای بهانه‌جویی‌های استعماری باقی نگذارد چرا که دشمنان انقلاب می‌خواهند خواست‌های حقه خلق قهرمان ما را در گوشه و کنار کشور تجزیه‌طلبانه جلوه داده و با روشن کردن آتش نفاق درونی مبارزه ضدامپریالیستی تمام مردم ایران را از مسیر اصلی خود منحرف سازند.

جنبش ملی مجاهدین

کورش کاکوان عضو کمیسیون حقوق بشر، فاش کرد:

فاجعه ترکمن صحرا را چرا به راه انداختند؟

عدم توجه به خواست‌های مردم باعث بلوا و آشوب می‌شود
به راه انداختن موج تبلیغات نادرست و یک طرفه هیچ کمکی به راه
حل سیاسی نمی‌کند.

وقتی در بازداشت کمیته بودیم ترجیح می‌دادیم در میان ترکمن‌ها
باشیم و در کنار آن‌ها کشته شویم.
موج تبلیغات علیه چریک‌های فدائی به منظور انحراف توجه مردم از
خواست‌های برحق خلق ترکمن است.

عدم توجه به خواست‌های حقه خلق ترکمن و ترکیب نادرست کمیته‌های
امام از اشخاصی ناصالح - اگر بپذیریم که فاقد سوءنیت بوده‌اند - و عدم
نشر حقایق توسط رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو تلویزیون، فاجعه‌یی را در
گنبد و دشت پدید آورد که یک هفته به طول انجامید.

کورش کاکوان - عضو کمیسیون حقوق بشر - ضمن اعلام این مطلب،
مشاهدات خود را از درگیری‌های خونین گنبد با پیغام امروز در میمان
گذاشت. او که به همراه دو تن از اعضای جمعیت برای تحقیق و بررسی
رویدادهای حقوقدانان و چند خبرنگار خارجی گنبد به منطقه رفته بود در
بازگشت گفت:

گزارش هیات تحقیق پس از تدوین منتشر خواهد شد.

صدها آواره

کاکوان گفت: بازده فروردین راهی منطقه شدیم و نخست در ساری از
مجروحان حادثه دیدن کردیم.
روز بعد به گرگان رفتیم و با ترکمن‌های عضو کانون فرهنگی سیاسی

«آق قالا» به گفت‌وگو نشستیم. در طول راه آق قالا - گنبد صدها زن و بچه را
دیدیم که از شهر خارج می‌گردند. بعضی از آن‌ها سرپرستانشان را از
دست داده بودند. وقتی وارد منطقه شدیم اول به بهداری رفتیم که فاقد
امکانات درمانی بود و تیم پزشکی آن را افرادی تشکیل می‌دادند که از
طرف سازمان فدائیان خلق به منطقه اعزام شده بودند. هنگامی که در
بیمارستان بودیم، حتی یک لحظه شلیک گلوله قطع نمی‌شد و ما حتی در
بهداری خود را در امان نمی‌دیدیم. همان شب دولت اعلام کرد اگر تا ۳
بعد از ظهر فردا تسلیم نشوند ارتش وارد می‌شود و سرکوب می‌کند و ما در
فکر بودیم که ارتش چه کسانی را می‌خواهد بکوبد؟

قتل عام پس است

اگر ارتجاع و امپریالیزم سرکوب نشود ملیت ما به خطر می‌افتد

همان شب خود را به گرگان رساندیم که شاید آن‌ها را سر عقل بیاوریم.
خیابان در دست کمیته‌ها بود و مردم احساساتی و تحریک شده برای
سرکوبی «اشرار» راه افتاده بودند.

۳ نیمه شب به گرگان رسیدیم اما در آنجا بازداشت شدیم. خواستیم با
وزیر دادگستری تماس بگیریم موفق نشدیم بالاخره با یکی از اعضای
هیات اجرایی جمعیت حقوقدانان صحبت کردیم و صبح نیز به دفتر
نخست‌وزیری تلفن زدیم و این تلگراف را مخابره کردیم:

مهندس بازرگان نخست‌وزیر. جلو قتل عام مردم گنبد را بگیرید. با
اعلام مسئولیت خطیر سرکار ادامه مؤثر مذاکرات و رعایت اکید آتش‌بس
از جانب کمیته امام قطعاً زمینه ایجاد تفاهم و اجتناب از وقوع قتل عام را
فراهم می‌سازد. هرگونه تعلل در حل معقول مسأله و یا توسل به قوه قهریه
جهت سرکوب خلق ترکمن بدون توجه به خواست‌های برحق آنان قطعاً
به فاجعه می‌انجامد.

یزدی رئیس ستاد عملیات در گنبد

از دفتر نخست‌وزیری گفتند رئیس ستاد عملیاتی آقای دکتر یزدی

هستند. خواستیم با ایشان تجماین بگیریم نبودند. با صدر حاج سیدجوادی وزیر کشور خواستیم صحبت کنیم، رفته بودند به باغی در خارج شهر برای سیزده بدر. با دکتر هدایت‌الله متین‌دفتری تماس گرفتیم که نهایت همراهی را با ما ابراز داشت و ما را راهنمایی کرد برای جلوگیری از فجایع دست به‌دامان آیت‌الله زنجانی شویم، آیت‌الله زنجانی که مردی روحانی و وارسته است گفت - به حرف من کسی گوش نمی‌دهد.

بازداشت شدیم

سرانجام به سوی منطقه فارس نشین ترکمن صحرا راه افتادیم، اما کمیته امام در آزادشهر (شاه‌پسند) ما را با بهانه‌جویی ۴ ساعت بازداشت کرد و ما سخت نگران بودیم. مرتب اخبار تکان‌دهنده به کمیته می‌رسید، مثلاً گروهی می‌آمدند و می‌گفتند ۳۰۰ نفر کشتیم. ما ترجیح می‌دادیم در میان ترکمن‌ها باشیم و در کنار آن‌ها کشته شویم...

بالاخره در منطقه ترکمن‌نشین به سراغ هیأت اعزامی دولت رفتیم و با رسولی رئیس هیأت و استاندار گفت‌وگوهای موثری داشتیم. رسولی می‌گفت من فقط وقتی که پیش ترکمن‌ها هستم احساس ایمنی می‌کنم و نگرانی من این است که وقتی پیش ترکمن‌ها نیستم از پشت به من شلیک شود.

یک ساواکی در کمیته

کاکوان افزود: تیم‌های ساواک که به همراه پاسداران به خط دفاعی ترکمن‌ها حمله می‌کردند وقتی پاسدارهای ناآشنا به موقعیت که از شهرهای مختلف می‌آمدند جلوتر می‌رفتند ساواکی‌ها آن‌ها را به گلوله می‌بستند. کسانی که از پشت تیر خورده‌اند، کم نیستند. من یک ساواکی را دیدم که به‌یوزی مسلح بود و در کمیته فعالیت داشت. او که فتح‌الله دارای نام دارد از دستیاران عضدی شکنجه‌گر معروف است. وقتی بامستولان کمیته موضوع را مطرح کردم گفتند آشنا و قابل اعتماد است اما به‌استاندار که گفتم متعجب شد و گفت قضیه را دنبال می‌کند.

موج تبلیغات نادرست

کاکوان گفت: از آنجا که موج تبلیغات شدید ضدچریک‌های فدایی خلق به‌صورت‌های بسیار کثیف و بیش‌رمانه در آمده با اطمینان و قاطعیت اعلام می‌داریم که چریک‌های فدایی هیچ‌گونه دخالت جنگی نداشته‌اند، تنها به‌علت فقدان امکانات درمانی در تنها بهداری بخش ترکمن‌نشین گنبد و استمداد رزمندگان خلق ترکمن از آن‌ها (به‌خصوص که بیمارستان شیروخورشید گنبد زخمی‌های ترکمن را نمی‌پذیرفت) موجب شد یک گروه پزشکی از طرف فدائیان خلق به‌یاری ترکمن‌ها فرستاده شود که این اقدام انسانی در آن شرایط دشوار شایان هر گونه ستایشی است.

سرپوش گذاشتن بر حقایق

حمله به‌سازمان چریک‌های فدایی خلق توسط دشمنان انقلاب به‌منظور انحراف توجه مردم ایران از خواست‌های برحق ترکمن و به‌قصد سرپوش گذاشتن به‌روی علل واقعی فجایع گنبد و ترکمن‌صحرا صورت می‌گیرد که متأسفانه توسط عده‌ئی از هموطنان با حسن‌نیت ولی ناآگاه مادام‌نزده می‌شود. چنانچه عاملین حقیقی این وقایع به‌دقت شناسائی و با قاطعیت سرکوب نشوند، به‌صورت ریشه‌های سرطانی بازماندگان رژیم سابق و عوامل ارتجاع، انقلاب و حتی موجودیت ملی ما را به‌مخاطره خواهند افکند.

Handwritten notes and signatures in Turkmen script, including names like "M. M. M." and "M. M. M." and various illegible signatures.

بسم الله الرحمن الرحيم
 سلام منظم است و در مورد این
 ۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 Handwritten notes and signatures in Turkmen script, including names like "M. M. M." and "M. M. M." and various illegible signatures.

مقام معظم نخست وزیر محبوب ایران

احتراماً - ساکنان منطقه مرزی ترکمن صحرا ضمن محکوم نمودن سیاست‌های مغایر با شعائر اسلامی دولت نقطه نظرهای خویش را پیرامون فاجعه موجود در شهرستان گنبد کاووس ذیلاً به استحضار مبارک رساننده و تقاضای عاجل جهت رسیدگی و احقاق حق و جلوگیری از ادامه فاجعه و کشتار خلق ستمدیده ترکمن را دارند.

۱- تقیح حمله روز دوشنبه ۵۸/۱/۶ به اصطلاح مجاهدین انقلاب به اجتماع بدون دفاع ترکمن‌ها در بارک قابوس و به خون کشیدن شرکت کنندگان در میتینگ

۲- اظهارات پاره‌ای از علمای گنبد کاووس در مورد غیر بومی بودن مدافعین گنبد غیر واقعی بوده و به خاطر جاه طلبی این عده می‌باشد.

۳- عشایر مرزنشین ترکمن ضمن تقیح اعزام تانک و توپ و فانتوم به وسیله دولت برای سرکوبی مردم این خطه اترجار شدید خود را از عاملان این عمل ناشایست اعلام می‌نمایند.

۴- به دستور کمیته اسلامی گنبد متجاوزین اجیر شده بدون در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی حتی قوانین حقوق بشر به منازل بی دفاع اهالی ترکمن حمله وزن و بچه‌های معصوم را کشته و یا به اسارت می‌گیرند لذا به این اعمال وحشیانه معترض بوده و آنرا محکوم می‌نماییم.

۵- تکذیب اخبار ساعات ۷ و ۸ صبح روز شنبه ۵۸/۱/۱۱ رادیو ایران مبنی بر اینکه مدافعین شهر گنبد افراد غیر بومی و ضد انقلابی سایر شهرستان‌ها هستند و در حالیکه همه مدافعان بومی بوده و برای به ثمر رسانیدن خواست‌های شرعی و قانونی خویش مجبور به مدافعه گشته‌اند.

اهالی منطقه مرزی ترکمن صحرا

اعلامیه رانندگان گنبد کاووس

ما رانندگان همگام با مبارزات خلق‌های ایران در راه نابودی استعمار و استثمار و نابودی امپریالیسم و نوکرائش همواره در سنگر مبارزه بودیم. ما رانندگان گنبد کاووس به عنوان بخشی از زحمتکشان ایران می‌خواهیم که در ایرانی آزاد و آباد و بدون تبعیض برای بهروزی ملت ایران گام برداریم.

فاجعه گنبد و کشتار خلق ستمدیده ترکمن، همه خلق‌های ایران و به خصوص زحمتکشان را آزرده خاطر نمود. ما به عنوان همبستگی با خلق ستمدیده ترکمن تا کنون دست از کار کشیدیم و اکنون که می‌خواهیم دوباره شروع به کار نمائیم از خواست‌های هشت ماده‌ای خلق ترکمن حمایت می‌کنیم و از دولت بازرگان می‌خواهیم که به خواست خلق ترکمن توجه کند. و دست عناصر و عوامل ناآگاه ارتجاع و سرسپردگان محلی رژیم مفسد گذشته را از سر خلق‌های تحت ستم و زحمتکشان کوتاه کند.

ما خواهان امنیت و آزادی برای احقاق حق و کار برای همه و آزادی اظهار عقیده برای تمام خلق‌های تحت ستم و کارگران و زحمتکشان هستیم. ما حمایت خود را از همه رانندگان زحمتکش ایران اعلام میداریم.

رانندگان کامیون گنبد کاووس

خلق مبارز ترکمن!

کارکنان پیشگام بیمارستان شهدای گنبد کاووس وقایع و فجایع اتفاق افتاده در بیمارستان شهدا - روزهای ۶ لغایت ۱۳ فروردین ۵۸ را محکوم نموده و به شرح زیر افشاگری می‌نمایند.

۱. حمله ور شدن پاسداران مسلح کمیته به داخل محوطه و بخش‌های بیمارستان

۲. سنگر بندی در داخل بخش‌ها و پشت بام و در ورودی بیمارستان

۳. بازداشت مجروحین بستری در بیمارستان فقط به خاطر ترکمن بودن

۴. تبدیل بیمارستان به انبار مهمات و حمل اسلحه به وسیله آمبولانس‌ها

۵. تیراندازی از سنگرهای قید شده که باعث وحشت و دلهره بیماران می‌شد

۶. بازداشت ترکمن‌های حامل مجروحین و کسانی که برای اهدای خون به بیمارستان مراجعه می‌نمودند

۷. تعدد ادی از مجروحین ترکمن را به بهانه حمله ترکمن‌ها به بیمارستان مقابل پنجره‌ها قرار می‌دادند.

۸. تهدید و بازداشت و شکنجه کارکنان ترکمن بیمارستان که با معرفی یکی از کارکنان بیمارستان بنام زین العابدین حرمتی که از عوامل سازمان

منحله ساواک بوده انجام شده است.

۹. حرمتی یکی از خبرنگاران خارجی را مورد - ضرب و جرح - قرار داده و دوربین خبرنگار را شکسته است.

کارکنان پیشگام بیمارستان شهدای گنبد
وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

خلق مبارز ترکمن صحرا

وقایع دردناک گنبد نشانگر این واقعیت بود که ارتجاع برای رسیدن به مقاصد خود از هیچ کاری رویگردان نیست. جنایات وحشتناکی که در هفته گذشته اتفاق افتاد یادآور اعمال وحشیانه ساواک و مزدوران محمدرضا شاهی بود. اما تاریخ نشان داده که هیچ ملتی را تا ابد نمی‌توان تحت ستم قرار داده و صدایش را در گلو خفه کرد. جنبش قهرمانانه خلق ترکمن گواه این مدعاست.

دفاع شجاعانه خلق دلیر ترکمن بر علیه زور روشنگر این موضوع بود که ترکمن آگاه و بیدارست و تا پای جان برای احقاق حقوق خفته خود خواهد جنگید.

خلق ترکمن به پا خواست و نشان داد که با اتحاد و تشکل نه گول حرف‌های توخالی و پوچ فرصت‌طلبان را می‌خورد. و نه زیر بار زور می‌رود. خلق ترکمن به پا خواست و نشان داد که تا آخرین قطره خونش برای حفظ آب و خاک و شرف خود مبارزه خواهد کرد و برای برانداختن بساط ظلم و رهایی یافتن از یوغ دوگانه با ایثار خون پاک جوانان دلاورش حاکمیت خلق را به ثبوت رسانیده و درخت آزادی و استقلال خلق‌های تحت ستم را بارور خواهد ساخت. این زمان که برادران اسپرمان با سینه سپر کردن در برابر رگبار مسلسل‌ها سد محکمی در مقابل عوامل ضد خلق ایجاد کرده‌اند، ما زنان ترکمن ضمن محکوم کردن وقایع اخیر خواستار شناسایی و مجازات مسببین این اعمال بیشرمانه هستیم، و اعلام می‌داریم که تا جان در بدن داریم دوش به دوش برادرانمان برای رسیدن به آرمان خلق‌مان خواهیم کوشید.

کانون زنان ترکمن صحرا وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن

صحرا

۵۸/۱/۲۰

ناپود باد کمیته جنایتکار
برقرار باد حاکمیت خلق

گزارش نمایندگان حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران:

ارتجاع زخم خورده، توطئه ساز نبردهای گنبد

مزدوران رژیم سابق و زمینداران بزرگ با سوء استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم کوشیده‌اند گناه اعمال ضد انسانی را متوجه سازمان‌ها و نیروهای دیگر کنند بلافاصله بعد از اطلاع از وقایع تاسف‌بار شهرستان گنبد هیئتی مرکب از نماینده کمیسیون حقوق بشر، کانون وکلای دادگستری و دو نفر از اعضای جمعیت حقوقدانان ایران جهت تحقیق و بررسی پیرامون علل بروز بر خوردهای مسلحانه به این شهر اعزام گردید. نظر به فوریت امر و اهمیت مسئله هیئت اعزامی لازم می‌داند قبل از ارائه گزارش تفصیلی چکیده‌ای از تحقیقات خود را به اطلاع هم میهنان عزیز برساند.

جنگ خونین شهرستان گنبد که طی آن صدها تن از هم‌میهنان عزیز ما کشته و زخمی شدند در نتیجه توطئه و تحریک زمینداران و فئودال‌های بزرگ و عوامل بازماندگان مرتجع رژیم منفور پهلوی که با وقوع انقلاب منافع خود را در خطر نابودی می‌دیدند ایجاد گردید. این برادرکشی نه جنگ شیعه و سنی بود و نه جنگ مذهبی و غیرمذهبی بلکه جنگی بود که زمینداران و منتفدین مرتجع بازمانده از رژیم سابق برای حفظ منافعشان به خلق محروم و ستم‌دیده ترکمن تحمیل کردند. اکثریت عظیم مردم ترکمن را روستائینی تشکیل می‌دهند که طی سال‌های سیاه حکومت پهلوی تمام زمین‌ها و مراتع و داروندارشان توسط خانواده پهلوی و ایادی و عوامل جنایتکار و مزدوران نظیر شاهپورها، هژبر یزدانی‌ها، ارتشبد اویسی‌ها، سرلشکر مزین‌ها و غیره غصب و غارت گردیده در نتیجه ده‌ها سال ستم مداوم و سرکوب مستمر که توسط دارودسته نظام تنگین گذشته و به کمک نیروهای سرکوبگر ژاندارمری و ساواک و ادارات دولتی اعمال و انجام می‌شد بسیاری از روستائیان از زمین و خانه و کاشانه خود کنده شدند و آواره شهرها گردیدند و عده‌ای نیز در سخت‌ترین شرایط

به‌بیگاری و کارمزدوری در مزارع و مراعات غصب شده و ادار شدند. پس از پیروزی انقلاب ترکمن‌ها که فشار ستم اقتصادی و سیاسی را با تمام وجود خود احساس کرده بودند کوشش به‌استرداد زمین‌های بزرگ غصبی نموده و بر اساس اسناد و مدارک مالکیت خود به‌استرداد حقوق از دست رفته خود اقدام می‌نمایند.

ارتجاع زخم خورده که منافع خود را در خطر نابودی می‌بیند می‌کوشد تا به‌هر وسیله که شده با برانگیختن احساسات پاك مذهبی و میهنی هموطنان فارس زبان و سوءاستفاده از کم‌تجربگی جوانان و پاسداران انقلاب و وسایل سرکوب و بدنام کردن روستائیان و نمایندگان آنان را که در «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» متشکل گردیده بودند، فراهم نماید. اولین تمهید و مقدمه‌چینی این عوامل ضدانقلاب و مرتجع، نفوذ در کمیته شهرستان گنبد است. تشکیل يك جانیه کمیته امام فقط از افراد فارس زبان و انتصاب شخصی به‌نام آقای مادرشاهی به‌سمت فرماندار شهرستان گنبد و توزیع سلاح بین جوانان فارس زبان وابسته به‌اعضای کمیته و اعمال تبعیضات و تعرضات ناروا نسبت به‌مردم ترکمن و نیز بی‌کیفر گذاشتن عاملان فاجعه ۱۲ دی و ۲۰ بهمن ماه به‌نارضایتی عمومی دامن می‌زد. در پی تحصن زمینداران و ملاکین در دادگستری شهرستان گنبد آقایان حاجت‌الاسلام امید و عباس رادتی نمایندگان اعزامی مرکز وارد گنبد می‌شوند و مناسفانه هنگام رسیدگی توسط این هیئت فقط با زمینداران و بزرگ مالکان طرف مذاکره قرار می‌گیرند که نتیجه محتوم آن فقط حمایت از خواست‌های آنان و تحریف حقایق در جریان شده است که این خود منجر به‌جزیحه‌دار شدن احساسات مردم ترکمن گردید. ضمناً مشاهده تعدادی اسلحه ۳ و نارنجک و مقادیر متناهی فشنگ در انومبیلی که در خارج از محل مذاکرات نمایندگان اعزامی وجود داشته و بنا به‌روایتی آنرا منتسب به‌هیئت اعزامی نموده‌اند همه و همه دست به‌دست هم داده به‌سوءظن و بدبینی ترکمن‌ها دامن می‌زنند.

زمینه‌حادثه با اقدام مأمورین کمیته که در صدد بازداشت يك جوان سیگارفروش ترکمن به‌جرم گران‌فروشی برمی‌آیند فراهم می‌شود. حمله مسلحانه و آتش گشودن پاسداران انقلاب بر روی معترضین بی‌سلاح و

کشته شدن يك محصل ۱۹ ساله ترکمن و اعزام ده‌ها تن از پاسداران انقلاب از شهرستان‌های اطراف در روزهای قبل از حادثه عملاً به‌صورت کبریتی بوده است که در ایتار باروت کشیده شود.

روز دوشنبه ۶ فروردین بنا به‌دعوت قبلی «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» اجتماعی در باغ ملی جهت استماع سخنرانی برگزار می‌شود. اجتماع ترکمن‌ها توسط تعدادی نفاذدار که پاره‌ای از آنان مجلس به‌لباس نظامی بوده‌اند به‌آتش و خون کشیده می‌شود. بیش از ۲۰ تن کشته و زخمی می‌شوند.

جمعیت پس از این یورش متفرق می‌شوند. پاسداران انقلاب متعاقباً به‌ساختمان کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن هجوم برده و افراد حاضر در کانون را دستگیر و سپس ساختمان و کتابخانه را به‌آتش کشیده و کلیه لباس‌های سنتی و دیگر آثار فرهنگی موجود در کانون را نابود می‌کنند.

در نتیجه این اقدامات زد و خورد متقابل شروع می‌شود و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. عده زیادی از ترکمن‌ها بازداشت و به‌گروگان گرفته می‌شوند. روز بعد شهر سنگربندی می‌شود و جنگ شدت بیشتری می‌یابد. جوانان ترکمن با استفاده از سلاح‌های به‌دست آمده از انومبیل که قبلاً توصیف شد و خلع سلاح پاشگاه‌های اطراف به‌نیاری اهالی ترکمن گنبد کاووس می‌شتابند که در نتیجه طی هفت روز جنگ خونین ده‌ها نفر از زنان و کودکان و جوانان این آب و خاک به‌هلاکت می‌رسند و بسیاری از خانواده‌ها شهر را ترك نموده و آواره بیابان می‌گردند و خانه عده دیگری از ترکمن‌ها نهب و غارت می‌شود. با شعله‌ور شدن آتش جنگ و بالا گرفتن دامنه خصومت عوامل آبادی مزدور استعمار و ارتجاع خواست‌های خود را به‌تحقق نزدیک‌تر می‌یابند و بی‌دلیل نیست که این توطئه‌گران جنایتکار و مزدوران رژیم سابق و زمینداران بزرگ برای سرپوش گذاشتن بر جنایات و اعمال ضد انسانی خود و منحرف کردن افکار عمومی از توجه به‌علل واقعی حوادث آسف‌تار با استفاده از تمام امکانات و وسایل موجود سوءاستفاده از احساسات پاك و میهنی و مذهبی جوانان کوشیده‌اند که تا گناه همه اعمال ضد انسانی را متوجه سازمان‌ها و نیروهای دیگر از جمله سازمان چریک‌های فدائی خلق نمایند. هیئت اعزامی بر اساس مشاهدات

عینی چند روزه وبازدید از سنگرهای ترکمن‌ها کلیه شایعات را مبنی بر دخالت سازمان چریکهای فدائی خلق و یا هر سازمان دیگری مؤکداً تکذیب نموده و پس از تحقیق مفصل به این نتیجه رسیده است که تنها کمک سازمان فدائیان به اعزام يك اکیپ پزشکی و درمانی به منطقه ترکمن نشین محدود گردیده و این اکیپ در شرایطی که هیچ بیمارستانی در دسترس مجروحین ترکمن نبوده موفق به انجام خدمات ارزنده و مؤثری گردیده است و نیز هیئتی از طرف سازمان مزبور با نمایندگان اعزامی دولت به منظور ایجاد آتش بس و نظارت در اجرای دقیق آن مشارکت و همکاری مؤثر داشته است.

جنگال‌های تبلیغاتی پر دامنه و آشفته کردن اذهان عمومی نسبت به خواست‌های مردم ترکمن هدفی جز سرپوش نهادن بر توطئه‌ها و جنایات بازماندگان ارتجاع داخلی و امپریالیسم بین‌المللی ندارد و در نتیجه به‌حوادثی منجر می‌شود که هر روز به‌انحاء مختلف در گوشه و کنار کشور منجر به برادرکشی‌های بیشتر می‌گردد. با توجه به مسائل فوق هیئت اعزامی علل و انگیزه‌های ذیل را عامل اصلی بروز حوادث گنبد تشخیص داده و به شرح ذیل اعلام می‌نماید:

۱. تحریک و دامن زدن به اختلافات ترکمن‌ها، ترتیب تظاهرات به‌طرفداری از قانون اساسی به‌وسیله روحانی نمایان مرتجع اهل سنت از جمله اناقلیچ آخوند نقشبندی و وابستگان وی.
۲. تشکیل يك جانبه اعضاء کمیته بدون حضور ترکمن‌ها و مرکب از برخی از افراد ناصالح.
۳. نفوذ عوامل مزدور رژیم سابق و زمینداران بزرگ و فرصت‌طلبان در کمیته امام.
۴. انتخاب آقای مادرشاهی به‌سمت فرماندار گنبد که برای احراز این سمت از صلاحیت لازم برخوردار نبوده است.
۵. بی‌تجربگی و ناآگاهی پاسداران انقلاب و دامن زدن به خونریزی‌ها با حمله به منازل ترکمن‌ها، کشتار و گروگان گرفتن آنان.
۶. وجود عوامل ساواک و بقایا و وابستگان رژیم منحط سابق در بین پاسداران انقلاب و نقض مکرر آتش بس از طرف آنها و تحریک طرفین

درگیر به‌ادامه تیراندازی.

۷. قضاوت و بررسی غرض‌آلود به‌وسیله هیئت‌های اعزامی نخستین.
۸. هیئت اعزامی با توجه به ریشه حوادث و علل فاجعه شهرستان گنبد به‌منظور جلوگیری از تکرار خونریزی در منطقه وظیفه خود می‌داند رهنمودهای زیر را توصیه نماید.

۱. مجازات فوری و بلادرنگ عاملین حوادث و کشتارهای روزهای ۱۲ دی و ۲۰ بهمن.
۲. انحلال فوری کمیته فعلی امام و تشکیل شورائی متشکل از نمایندگان واقعی منتخب مردم شهرستان گنبد.
۳. رسیدگی فوری به‌خواست‌های مردم ترکمن و استرداد و تقسیم عادلانه اراضی و مراتع غصب شده به کشاورزان و دامداران ترکمن.

۴. محترم شمردن حقوق فردی و آزادی‌های اجتماعی مبتنی بر بافت فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خلق ترکمن.
۵. مجازات کلیه عاملین حوادث اخیر گنبد قطع نظر از وابستگی‌های قومی، کورس کاکوان - نماینده کمیسیون حقوق بشر - کانون وکلا، رضا معتمدی و اکبر هندی‌زاده نماینده جمعیت حقوقدانان ایران.

چگونگی برخورد خلق ترکمن صحرا با گروه پزشکی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق اعزامی به گنبد:

بعد از آگاهی از وقوع حوادث ناگوار گنبد و اینکه چه رفتار ناشایستی در مورد خلق ترکمن اعمال می‌شد و اطلاع از اینکه از امکانات پزشکی و درمانی هیچ چیز در اختیار نداشتند و امکانات پزشکی موجود در منطقه را عوامل ارتجاع به‌زور سرنیزه در اختیار گرفته بودند، ما عده‌ای از پزشکان و پرستاران هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق به‌عنوان يك اقدام در جهت رفع نیازمندی‌های خلق ترکمن به‌طرف منطقه ترکمن صحرا به‌راه افتادیم، با علم به اینکه رفتن ما و رسیدن به مقصد بدون اشکال نخواهد

در خود جا داده و تقریباً نصف شهر را تشکیل می‌داد ولی با وجود این هیچگونه امکانات رفاهی نداشت. اگر شهر را با خطی به دو قسمت تقسیم می‌کردیم، قسمت ترکمن نشین فاقد هرگونه امکانات رفاهی و قسمت دیگر که بیشتر از فارس‌ها و ترک‌ها تشکیل شده بود و دارای امکانات بسیار بود. مثلاً در ناحیه ترکمن نشین تنها دو درمانگاه کوچک وجود داشت آنهم بدون هیچگونه امکانات تشخیصی و درمانی اولیه که از حد توصیف این مختصر مقوله خارج است. ولی در قسمت دیگر شهر شش بیمارستان مجهز با همه گونه امکانات تشخیصی و درمانی و چند درمانگاه و چندین مطب پزشک وجود داشت. در این موقع خلق ترکمن حق استفاده از این مطب‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها را نداشتند و اگر به آنجا مراجعه می‌کردند آنها را دستگیر کرده و مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و سپس آنها را زندانی می‌کردند. در بین زندانی‌های کمیته عده‌ای از پزشکانی که برای کمک آمده بودند و یا در حین کمک به زخمی‌ها بوده‌اند و نیز عده‌ای پیرمرد و زخمی بودند که با آنها به بدترین وجهی رفتار می‌شد.

یکی از درمانگاه‌های موجود را برای کار خود انتخاب کردیم و در آنجا مستقر شدیم. هیچگونه امکاناتی در درمانگاه وجود نداشت فقط چند اتاق خالی که در همه را قفل کرده و رفته بودند، با اینهمه در چند ساعت اول يك اطاق عمل یا امکانات بسیار کم برای رفع نیازمندی‌های فوری ایجاد کردیم، درمانگاه را براه انداختیم و شروع به درمان بیماران کردیم.

برای انجام کارهای خود به‌وسائلی احتیاج داشتیم. اولین بار که با یکی از افراد محلی، یکی از احتیاجات خود را که بتو و ملافه بود مطرح کردیم و از وی کمک خواستیم، همکاری و حرکتی را که مردم در رفع این کمبود انجام دادند از یاد نمی‌بریم. این رفیق درخواست ما را به‌زبان محلی با اطرافیان خود مطرح کرد هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که کوهی از بتو و ملافه و پارچه‌های مختلف برای ما فراهم شد، يك زن از افراد محلی که پارچه و بتو نداشت تا برای ما بفرستد روسری خود را برای ما فرستاده بود و خواهش کرده بود تا از آن برای بستن زخم استفاده کنیم. این حرکت مردم ما را به شوق می‌آورد و عشق به کار کردن را در ما شعله‌ور می‌ساخت. برای تغذیه ما و بیماران که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شد، خانواده‌های ترکمن هر کدام برنامه گذاشته بودند، و هر کدام يك وعده

بود، چنانچه مرتباً خبر از دستگیری و یا زندانی شدن افرادی می‌رسید که جهت خدمت به خلق ترکمن به آنجا رفته بودند، با این همه تغییری در تصمیم ما ایجاد نشد و ما با وجود بازرسی‌های فراوان و اشکالات متعدد میان راه به بندر ترکمن رسیدیم. وقتی قصد خود را با افراد محلی در میان گذاشتیم استقبال بیش از آنچه که تصور داشتیم از این کار ما به عمل آمد و این استقبال دوچندان شد هنگامی که دریافتند ما از هوداران سازمان چریک‌های فدائی خلق هستیم. افراد محلی ترکمن با گروه ما به‌راه افتادند و همه‌جا از ما مراقبت می‌کردند تا به «آق‌قالا» رسیدیم، و به‌ستاد رزمندگان خلق ترکمن واقع در این محل رفتیم. در آنجا نیز پس از اطلاع از تصمیم ما و این که هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق هستیم به‌گرمی از ما استقبال کردند و با بیشترین چیزی که در توانشان یعنی بلاتان و چای و مربا از ما پذیرائی کردند. همه می‌خواستند ما را ببینند و با ما صحبت کنند و درد دلشان را بگویند، ولی متأسفانه فرصت کم بود و کار ما بسیار در همین مدت کوتاه چند نفر از اهالی با یکی از رفقا صحبت کردند. ایشان می‌گفتند آرزو دارند که روزی چریک فدائی شوند و با دشمنان خلق بجنگند. برای ایشان تنها مظهر مبارزه، فدائی خلق بود. از آق‌قالا به طرف گنبد به‌راه افتادیم. در بین راه با ترکمن‌های مسلح و رابط‌های محلی برخورد می‌کردیم همگی با عزمی راسخ و با از جان گذشتگی خاصی از حوزه تحت کنترل خود حفاظت می‌کردند. هنگامی که به طرف گنبد حرکت می‌کردیم به چند نفر از افراد محلی برخورد کردیم که باماشین دو نفر زخمی را که یکی کودکی ۹ ساله به نام ناصر قرینجیک بود و فرد دیگری که هر دو تیر خورده بودند - با خود به آق‌قالا می‌بردند تا از آنجا به یکی از شهرهای نزدیک که امکانات پزشکی دارد اعزام دارند. ولی ما آنها را برای معالجه با خود به گنبد برگردانیدیم.

رفته رفته به شهر نزدیک می‌شدیم، از داخل شهر صدای تیراندازی به گوش می‌رسید. باران می‌بارید و در قسمتی از شهر که ما به آن وارد شده بودیم باتلاق عجیبی ایجاد شده بود. در بعضی از مناطق تا زانو در گل فرو می‌زفتیم و برای عبور از بعضی جاها، بایستی به آب و گل می‌زدیم. این قسمت از شهر ترکمن نشین بود که جمعیت قابل توجهی از ترکمن‌ها را

غذای ما و بیماران و یا يك روز كامل غذا را بسته به امکاناتشان تهیه کرده می آوردند. يك روز ما برای تغذیه بیماران به سبب احتیاج داشتیم. آنروز ظهر چندین قابلمه پر از سوپ به درمانگاه آوردند. برای ما دیدن اینهمه همکاری و نودوستی شادی آور بود. تعجب ما وقتی صدچندان شد که فهمیدیم اکثر خانواده‌هایی که غذا را برای ما تهیه می کنند خود از آن غذا نمی خورند و حتی از خوردن گوشت و برنج که چیره غذایی روزانه‌شان بود خودداری می کردند تا آن را در اختیار ما قرار دهند و شاید از این راه می خواستند خدمات ناچیز ما را جبران کنند.

روزی یکی از رفقای ما برای درمان بیماری به خانه وی رفته بود. در بین راه پیرزن ترکمنی سر راه او را گرفته بود و يك بسته کوچکی باند و مقدار کمی چسب به او داده بود و اظهار کرده بود تنها کمکی که می تواند بکند همین است و خواسته بود تا از این کمک وی جهت مداوای بیماران و زخمی‌ها استفاده شود. رفیق می گفت وقتی پیرزن با آن قیافه شکسته و قامت خمیده که به سختی قدم برمی داشت، این جملات را به زبان می آورد، اشک در چشمانم جمع شده بود، ولی در آن حال یارای گریستن نداشتم. یکی دیگر از رفقا می گفت «سر راه درحالی که باران به شدت می بارید پیرزن و پیرمردی را دیدم که زیر باران ایستاده و خیس شده بودند. یکی از این دو نفر ناپیدا بود و در يك دست چند عدد تخم مرغ پخته و در دست دیگرش مقداری گندم داشت. وقتی که من با رابط محلی همراهم به آنها رسیدم دست تکان دادند. وقتی ایستادیم پس از اینکه اظهار داشتند که این تنهادارثی‌شان است و نان شب آنها، خواهش کردند که این غذاها را به زخمی‌ها و بیماران و دکترهای فدائی بدهیم. رفیق می گفت: «برای اینهمه از خودگذشتگی تحسین‌شان کردم. در این حال رابط ترکمنی که همراهم بود گریه می کرد.»

در همان شب اول استقرار در درمانگاه یکی از افراد کمیته امام اعزامی از تهران به نام محمد رضا حمدی را که تیر به پایش اصابت کرده بود به درمانگاه آوردند. خونریزی زیادی داشت و برای عمل جراحی و نجات وی به خون احتیاج داشتیم. گروه خون او را تعیین کردیم. در همین اثنا چند تن از افراد ترکمن برای نجات جان او حاضر شدند که هرچقدر که خون لازم

داشته باشد به او بدهند. ولی ما نه کیسه خون برای گرفتن خون داشتیم و نه خون آماده. با بیمارستان شیر و خورشید با پزشکی به نام آقای دکتر منتظری تماس گرفتیم و درخواست دو واحد خون گروه A یا دو کیسه خون خالی برای گرفتن خون و نجات بیمار کردیم. آقای دکتر با کمال وقاحت اظهار داشت که نه خون می دهیم و نه کیسه خون، بگذارید بمیرد. چون خطر مرگ بیمار را تهدید می کرد، با سرم آلومین که در اختیار داشتیم او را تحت عمل جراحی قرار دادیم و خوشبختانه بیمار نجات یافت. برای این شخص بسیار تعجب آور بود که چگونه ممکن است که مردمی به این خوبی و نجات را دشمن تلقی کنند و می گفت که وقتی ما را از تهران آوردند به ما گفتند که باید به جنگ کمونیست‌ها و ارتش شوروی و برای نجات کمیته امام برویم ولی وقتی به اینجا رسیدیم دیدیم حقیقت جز آن چیزی است که آنها به ما گفته‌اند. شادی پدر این پاسدار کمیته را که تصور می کرد فرزندش کشته شده است از خاطر نمی برم.

بیماران بستری در بیمارستان صحرایی را در حد امکانات تحت درمان قرار می دادیم و سعی ما برای نجات جان آنها بود. وقتی که بهبودی نسبی پیدا می کردند و امکان ترخیص آنها بود حاضر نبودند بیمارستان را ترک کنند و می خواستند تا بهبودی کامل در بیمارستان باشند. وقتی که علت را از آنها جویا می شدیم می گفتند که تنها پزشکان و پرستاران فدائی هستند که به ما می ترسند و در سایر جاها به ما رسیدگی نمی کنند، در صورتی که ما با امکانات کم قادر به ارائه خدمات چندانی قابل توجهی نبودیم. و یا اینکه بعد از آتش بس و برقراری آرامش در منطقه گروه گروه بیماران به درمانگاه می آمدند و می گفتند ما آمده‌ایم تا دکترهای فدائی ما را معالجه کنند.

در طی درگیری طرفین بیمارانی داشتیم که حسن تحسین ما را برمی انگیزتند، مثلاً در يك مورد ترکمنی مدت ۴۸ ساعت پشت سنگر بیدار مانده بود و از فرط خستگی و بی خوابی بیمار شده بود که او را به درمانگاه آورده بودند با وجود بیماری که داشت حاضر نبود در بیمارستان بماند و می خواست دوباره به سنگر مبارزه برگردد.

روزی یکی از شهدای ترکمن را به درمانگاه آوردند. معلوم بود که او

راتیرباران کرده اند، زیرا چشم‌هایش را بسته و دست‌هایش را طناب‌پیچ کرده بودند و جای گلوله‌های متعددی روی بدنش دیده می‌شد. در همان موقع دو نفر از افراد کمیته که یکی از آنها جودکی نام داشت و از تهران به منطقه اعزام شده بودند در آن جا حضور داشتند و از دیدن صحنه بسیار ناراحت شدند و حالشان منقلب شد و استیهادی را که در این زمینه تهیه شده بود امضاء کردند. که این استیهاد حاضر و قابل ارائه است.

بالاخره پس از چند روز ماندن در منطقه و ارائه خدمات در حد امکان تصمیم به آمدن گرفتیم یکی از رسوم ترکمن‌ها این است که بایستی در سوگ از دست رفته خود مدت هفت روز در خانه بنشینند. وقتی ما می‌خواستیم حرکت کنیم، برای آوردن وسایل خود احتیاج به یک کامیون داشتیم. یکی از افراد محلی با اصرار زیاد حاضر شد که وسایل ما را بیاورد. وقتی که بیشتر جویا شدیم متوجه شدیم که او یکی از عزیزان خود را در جنگ از دست داده و تنها سه روز از شهادت وی می‌گذرد، ولی با وجود این او به خاطر ما حاضر شد. سببی را بشکند وسایل ما را به تهران بیاورد.

هنگام بازگشت دل‌هایمان گرفته بود، از ستمی که بر خلق ترکمن رفته و می‌رود، از بار محرومیتی که بر دوش زنان و مردان و کودکان ترکمن سنگینی می‌کند و از رنج‌هایی که می‌برند. اما چندان دور نیست روزی که خلق ترکمن وهمه خلق‌ها به‌با خیزند و انتقام اینهمه ستم را از ستمگران بگیرند. چندان دور نیست روزی که گام به گام و دوش به دوش جهانی آزاد را بسازیم و با مهربانی در چشم هم بنگریم.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا:

تا تحقق خواست‌های خلق ترکمن مبارزه را ادامه

می‌دهیم.

«کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» چگونه و با چه هدفی بوجود

آمد؟

زمینه تشکیل این کانون از پائیز گذشته شروع شد. با شروع سال تحصیلی عده‌ای از دانش‌آموزان فارس و ترکمن گنبدکاووس یک نمایشگاه کتاب ترتیب دادند که اولین شکل یک گروه فرهنگی بود. در این نمایشگاه که ۱۵ روز دایر بود در حدود ۲۰۰ هزار تومان کتاب فروخته شد. همراه با اوج‌گیری مبارزات ضد استبدادی مردم، این تشکل از طریق شرکت در تظاهرات گسترده‌تر شکل سیاسی پیدا کرد. بعد از سقوط بختیار برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و تحصیل آزادی‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» به وجود آمد.

این کانون خود را وابسته به «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» می‌داند. چه رابطه‌ای بین این دو موجود است؟

کانون فرهنگی و سیاسی یک کمیته تحقیقات روستایی به وجود آورد که به بررسی اوضاع روستاهای ترکمن صحرا پرداخت. در این بررسی‌ها، کمیته به این نتیجه رسید که روستائیان آمادگی زیادی برای مصادره زمین‌های غصب شده دارند. به طوری که در یکی دوازده روستا، کشاورزان خودشان زمین‌ها را مصادره کرده بودند. ما شروع به ایجاد شوراهای دهقانی در روستاها نمودیم. در همین زمان روستائیان ترکمن تظاهراتی با شعار «زمین‌های غصب شده را پس بدهید» ترتیب دادند و پس از آن شوراهای دهقانی را تشکیل دادند.

شوراهای دهقانی زمین‌ها را تقسیم نمی‌کند بلکه به نفع روستا مصادره می‌کند یعنی اهالی روستا مجموعاً مالک زمین‌ها هستند و سهم از محصول می‌برند. در این زمان کارها آنقدر وسیع‌تر میشد که واقعاً امکان پرداختن به جزئیات امر نبود. نیروی ما به معنای واقعی نمی‌توانست جوابگوی روستائیان باشد. حرکت‌های انقلابی پراکنده روستائیان به راحتی می‌تواند متشکل شود.

با زیاد شدن تعداد شوراهای دهقانی که با پشتیبانی از نیروهای جوان شهری کار می‌کردند لزوم تشکیل «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» احساس شد. «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» هم که فعالیت‌هایی هدف‌هایش هم جهت با این ستاد می‌باشد، به تابعیت آن درآمد. چگونه جریان‌های روزهای اخیر گنبد به درگیری‌های مسلحانه کشیده شده

است و «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» چه نقشی در این جریان‌ها دارد؟

واقعۀ ننگین و شوم روز ۱۹ اسفند بندر ترکمن که در آن عوامل مسلح و نیروهای ارتجاعی بی‌مسئولیت تحت نام کمیته اسلامی، به‌عده‌ای از ترکمنان بی‌دفاع حمله نموده و به‌مجروح شدن ۱۳ نفر می‌انجامد. شروع این حوادث است. و یک روز پس از اینعمل با اعزام فانتوم به‌محل و شکستن دیوار صوتی، سعی در وحشت زده کردن خلق ترکمن می‌نمایند. پس از این اعمال خصمانه، خلق ترکمن در یک راهپیمایی و گردهمایی شرکت می‌کنند و قطعنامه‌ای در ۱۸ ماده مبنی بر تاکید بر رفع ستم ملی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نیز محکوم نمودن انحصارطلبی و تفرقه در صفوف متحد خلق‌های تحت ستم صادر می‌کند.

«کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» از چند روز قبل اعلام کرده بود که در روز ۶ فروردین یک میتینگ برای اعلام خواست‌های خلق ترکمن برپا می‌کند. در ضمن قرار بود در این میتینگ مواضع «ستاد مرکزی شوراهای...» اعلام شده و نظر ستاد درباره تحریم رفتارندم به‌خلق ترکمن گفته شود. یک روز پیش از میتینگ یعنی عصر روز ۵ فروردین کمیته اسلامی یک جوان ترکمن را که سیگار می‌فروخته به‌چرم گرانفروشی دستگیر می‌کند. اینعمل با اعتراض ترکمن‌ها روبرو می‌شود. در پی این اعتراض یک جوان ترکمن ۱۷ ساله کشته می‌شود. کمیته اسلامی از دادن جسد جوان امتناع می‌کند. این عمل خشم شدید مردم را برمی‌انگیزد. فردای این واقعه مصادف است با روز میتینگ افراد مسلح کمیته اسلامی در ساعت ۳ بعد از ظهر ۶ فروردین به‌تظاهرات آرام مسالمت‌آمیز و کاملاً قانونی خلق ترکمن حمله مسلحانه می‌کند. در جریان این حمله تعدادی از ترکمن‌ها کشته و عده زیادی مجروح می‌شوند. این عمل ناجوانمردانه خشم ترکمن‌ها را شعله‌ور می‌کند. ترکمن‌ها به‌شهرستانی و کمیته اسلامی حمله می‌برند، ولی چون مسلح نبودند/می‌چسور به‌عقب نشینی می‌شوند... پس از این جریان دسته‌های خشمگین ترکمن به‌پاسگاه‌های ژاندارمری هجوم برده و سلاح‌های آنها را مصادره می‌نمایند. افراد کمیته اسلامی به «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» و «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» حمله نموده، ده هزار جلد کتاب مختم‌مقلی

فراغی، شاعر آزاده خلق ترکمن را به‌آتش می‌کشند و اموال و اثاثیه را غارت می‌کنند.

متعاقب این اعمال ترکمن‌ها حمله مسلحانه کمیته اسلامی را با نبرد مسلحانه پاسخ می‌گویند و جنگ از اینجا شروع می‌شود. رزمندگان ترکمن با سرعتی باورنکردنی خیابان‌ها را سنگر بندی می‌کنند و دوسوم شهر را متصرف می‌شوند. افراد کمیته اسلامی به‌منازل ترکمن‌ها حمله نموده و تعدادی را بدون علت دستگیر و مضروب می‌نمایند. و حتی پیراهن سرخ زنهای ترکمن را به‌علامت کمونست بودن با خود می‌برند.

می‌گویند، چریکهای فدائی خلق جنگ گنبد را سازماندهی می‌کنند. و حتی صحبت از کمک شوروی به‌ترکمن‌هاست؛ درست است؟

می‌توانید خودتان همین الان که در بحبوحه جنگ هستیم به‌تمامی سنگرهای ما سر بزنید از بجه ۱۴ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله را پشت سلاح‌های مصادره شده می‌بینید. حتی یک کلاشینکف هم پیدا نمی‌کنید. بیشتر سلاح‌های ما از افراد کمیته اسلامی و در جنگ به‌دست آمده است. این یک جنگ خلقی است و تا وقتی دولت به‌خواست خلق ترکمن پاسخ مثبت ندهد جنگ را ادامه می‌دهیم.

درمورد رابطه ما با چریک‌های فدائی هم همانطور که گفتید شایعات زیاد است و کمیته اسلامی می‌خواهد با پراکندن این شایعات تضاد خودش را با منافع راستین خلق‌ها پنهان کند. به‌این دلیل است که هر روز یک بهانه می‌آورد و یک گروه را غافل و متحرک می‌نامند. درست مثل شاه، بعضی از رزمندگان ما هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق هستند و این هیچ چیز را ثابت نمی‌کند. سازمان چریکهای فدایی تنها یک کمک به‌ما کرد و آنهم اعزام یک گروه پزشکی بود. ما در منطقه خود از حداقل امکانات درمانی هم برخوردار نبودیم.

پس از شروع جنگ و حتی قبل از آن هیئت‌هایی برای رسیدگی به‌اوضاع از جانب دولت و امام خمینی به‌گنبد می‌آیند. آیا فکر می‌کنید این هیئت‌ها در برآوردن خواست‌های شما کوشش کرده‌اند؟

از میان هیئت‌ها تنها این هیئت آخری است که کمی حسن نیت دارد و قداراست مسائل ما را درک کند. اما هیئت‌های قبل همگی فقط در برافروختن

آتش موثر بودند.
به خصوص حجت الاسلام امید نماینده امام خمینی که به اتفاق عباس رادنیآ آمده بود، نقش مهمی در بی اعتماد کردن مردم نسبت به کمیته های اسلامی و دولت داشت. این دو نفر که برای مذاکره آمده بودند، مسلح بودند و چون ما این عمل را توهینی نسبت به خلق ترکمن می دانستیم اسلحه شان را مصادره کردیم. آقای امید در یکی از گفتارهایش مدعی شد که مگر ترکمن ها در این انقلاب چقدر کشته داده اند که خواهان اینهمه حقوق می باشند؟ تصور کنید پس از این گفت ها خلق ترکمن چه تصویری می تواند نسبت به نماینده امام خمینی داشته باشد؟

هیئت آخری چه کارهایی کرده است که فکر می کنید حسن نیت دارد؟ این هیئت که از سوی دولت آمده است به علت اینکه خواست های ما را اندکی بهتر از دیگران می فهمد توانست بر سر یک موافقتنامه ۴ ماده ای مبنی بر اعلام آتش بس، رد و بدل مجروحین و اجساد، آزادی بدون قید و شرط اسرا و نظارت ارتش به انتظامات شهر به توافق برسد. اما افسوس که به خاطر تضادهای شدیدی که گروه های کمیته های اسلامی با یکدیگر و نیز با نمایندگان دولت دارند، موافقتنامه اجرا شد ولی آتش بس بارها و بارها نقض گردید. مثلاً توجه کنید ۲ ساعت است که اعلام آتش بس شده ولی رگبار گلوله از سوی منطقه تحت اشغال کمیته اسلامی قطع نمی شود. می شنوید؟

منصور گرگانی نماینده اعزامی دولت به گنبد:

جنگ ناجوانمردانه ای به خلق ترکمن تحمیل شد

شایعه تحریک چریک های فدایی در گنبد دروغ است.

شما سال ها در ترکمن صحرا بوده اید و می توان گفت که با مسائل آن آشنا هستید. گویا تحقیقاتی هم در زمینه مسائل ترکمن صحرا دارید. اوضاع کلی ترکمن صحرا را از نظر اقتصادی و اجتماعی چگونه می بینید؟
ترکمن صحرا منطقه وسیعی در شمال ایران است. در حدود ۸۰۰ هزار نفر

جمعیت دارد. مردم آن بیشتر ترکمن هستند.
ترکمن صحرا از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. تراکم اندک جمعیت و نایب بودن درآمد سرانه در آنجا، که متأسفانه فعلاً آمار دقیق آن را ندارم، گویای توسعه نیافتگی این منطقه است. هشتاد درصد مردم منطقه بیسوادند. بارها در گذشته در تمام ترکمن صحرا فقط ۲۳۰ تخت بیمارستانی وجود دارد. یعنی برای هر ۲۶ هزار ترکمن فقط یک تخت در بیمارستان وجود دارد. با در نظر گرفتن این دو معیار توسعه یافتگی، (تراکم جمعیت، سنواد و بهداشت) متوجه میزان عقب ماندگی ترکمن صحرا می شویم.

شما به عنوان نماینده دولت درباره خواست های خلق ترکمن چه می گوئید؟
تا چه اندازه آن را تایید می کنید؟ فکر می کنید چرا آتش جنگ در گنبد برافروخته شد؟

این جنگ ناجوانمردانه ای بود که به ترکمن ها تحمیل شد. این روزها در این مورد زیاد صحبت شده است. من بسیاری از خواست های خلق ترکمن را برحق می دانم. خلق ترکمن سال های سال است که تحت ستم قرار دارند. رژیم سابق برای درهم شکستن وحدت و یکپارچگی خلق ترکمن سیاست های تفرقه افکنانه و سرکوب کننده ای را طرح و اجرا کرد.

رژیم شاه، محوزة جرگلان را جزو استان خراسان نمود. آن قلعه و گنبد تپه را به گرگان پیوند داد. بندر ترکمن را تابع بندر گرگان کرد. این بواجی همگی فارسی زبان و شیعی مذهب هستند. حالا ترکمن ها به حق خواستار این هستند که ترکمن صحرا به یک واحد استانی تبدیل شود. در شهری مانند گنبد کاووس که بیشتر جمعیت آن را ترکمن ها تشکیل می دهند، کاملاً منطقی است که ترکمن ها در اداره امور شهر نقش مهمی داشته باشند.

مسئله زمین، مهمترین مسئله خلق ترکمن است، درباره بازپس دادن زمین های غصب شده چه فکر می کنید. مسئله ارضی در ترکمن صحرا را چگونه می بینید؟

درست است. «زمین» مهمترین مسئله ترکمن صحراست. غصب زمین های

خلق ترکمن از طرف عمال رژیم سابق از بعد از سال ۳۲ شروع شد. اما در سال‌های بعد از اصلاحات ارضی فوق‌العاده شدت گرفت. بسیاری از تواحی ترکمن صحرا قبلاً جنگل بوده و به همین علت مرغوبیت بسیار زیادی دارد. پس از ۱۳۲۶ که جنگ جهانی تمام شد و تبدیل صنایع نظامی به مصرفی شروع شد، با ورود ماشین‌های کشاورزی به ایران، کشاورزی ترکمن صحرا شروع به مکانیزه شدن کرد.

امروزه شدیدترین شتم از جانب انحصارچیان تخم پنبه و پنبه به روستائیان وارد می‌شود؛ این انحصارچیان به خیل‌های خود محصول کشاورزان را به ارزان‌ترین قیمت می‌خرند و از این میان سود سرشاری می‌برند. سرمایه‌داران بزرگی مانند لاجوردی و قاسمیه و گروه‌های روغن نباتی قو، شاه‌پسند و جهان موادخام خود را که همان تخم پنبه است با توسل به انواع و اقسام خیل‌ها با قیمتی ارزان از دهقانان می‌خریدند. تخم پنبه کالایی است که در انبار زود می‌پوسد و بدین جهت کشاورزان مجبورند فوراً آن را بفروشند. و چون تفضیه تخم پنبه و تبدیل تخم پنبه به روغن منحصراً در اختیار این شرکت‌هاست، روستائیان مجبورند همیشه تابع این سرمایه‌داران باشند. نزدیک به ۶۰ درصد درآمد مردم از تخم پنبه به جیب این شرکت‌ها می‌رود.

مسئله مکانیزه بودن کشاورزی، مسئله مهمی است، آیا این امر مسئله تقسیم زمین‌های بزرگ را دچار اشکال نمی‌کند، یعنی خرده مالک می‌تواند از پس مکانیزاسیون برآید؟

امروزه صد درصد اراضی ترکمن صحرا زیر کشت مکانیزه است. منتها با این تفاوت که گاهی تمام عملیات کشت و داشت و برداشت مکانیزه است و گاهی فقط بعضی از کارها. من فکر می‌کنم تقسیم زمین‌های بزرگ مشکلی ایجاد نمی‌کند. مگر در هلند و دانمارک که این همه از نظر کشاورزی پیشرفته هستند، مالکیت‌های کوچک در سطح وسیع وجود ندارد؟

ولی ترکمن صحرا بنا به ویژگی‌هایش تشنه مالکیت بزرگ و متمرکز است. من فکر می‌کنم یکی دو سال پس از تقسیم زمین‌ها، چون خرده مالک‌ها قادر به رقابت در بازار نیستند به سرعت متمرکز شوند. این را آینده نشان خواهد داد. بهر حال ترکمن حق دارد زمین‌های غصب

شده‌اش را بخواهد و ترکمن صحرا آن قدر زمین دارد که پس از تقسیم هکتارها زمین هم زیاد می‌آید.

می‌گویند ترکمن‌ها زمین‌های کشت شده را خراب کرده‌اند...
دروغ محض است.

این که چریک‌های فدایی محرك...
دروغ است.

پیغام امروز - چهارشنبه ۲۲ فروردین ۵۸

نماینده دولت در گنبد:

جنگ ناجوانمردانه‌ای به ترکمن‌ها تحمیل شد

منصور گزگانی، نماینده دولت در مورد رسیدگی به اوضاع گنبد در گفت‌وگویی با خبرنگاران «پیغام امروز» جنگ اخیر را قابل اجتناب دانست. او تأکید کرد که اگر اشتباهات کمیته اسلامی نبود هیچگاه این همه خونریزی نمی‌شد. او ضمناً ادعای دخالت چریک‌های فدایی را در جنگ گنبد مردود دانست و گفت که هیچ مدرکی در این مورد وجود ندارد، مگر این که عده‌ای از رزمندگان ترکمن هوادار سازمان چریک‌های فدایی بودند، همان طور که عده‌ای از رزمندگان می‌توانند مثلاً هوادار جبهه ملی باشند و یا اصلاً هوادار هیچ سازمانی نباشند. گزگانی افزود که کمک فوق‌العاده زیادی که ترکمن‌های شهر و روستا در این جنگ به یکدیگر نمودند نشان می‌دهد که آن‌ها تا چه حد در مورد خواست‌های خود با فشاری می‌کنند.

پیغام امروز - ۱۹ فروردین ۵۸